

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

## اسرائیلیات و جایگاه آن در اعتقادات اسلامی و ادب عرفانی

### حبیب قربانی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
h.ghorbani@pnu.ac.ir

### چکیده

«اسرائیلیات»؛ اصطلاحی در معارف اسلامی، بویژه در زمینه تفسیر و علوم حدیث، ناظر به روایات، قصص و مفاهیمی که نه در قرآن و احادیث نبوی، بلکه در تعالیم امت‌های پیشین بخصوص بنی‌اسرائیل ریشه دارند و حاصل جریانی است از داستان‌سرایی، اسطوره‌پردازی و جوهری دیگر از تعالیم غیر اصیل آسمانی که به ویژه در سده‌های نخست هجری توسط گروهی یهودیان به اسلام گرویده، ساخته شده و به حاشیه آموزش‌های مسلمانان راه یافته است. نویسندگان مسلمان به هنگام نقل از منابع پیشینیان، گاه با استفاده از تعبیر صریحی چون «برخی از کتب پیشینیان» یا «کتب پیامبران» به بیان مطلب می‌پرداخته‌اند. البته در مواردی نیز بدون ذکر سرچشمه، سخن را به صورت گفتار صحابه و تابعین، یا به عبارت دیگر به صورت احادیث مربوط به هم نقل کرده‌اند. رویکرد مقاله ی حاضر در پی شفاف سازی و پاسخ به این پرسش‌هاست که:

- ۱- زمینه های ورود و نفوذ روایات و داستان های مجعول یهودیت موسوم به «اسرائیلیات» به معارف اسلامی کدامند؟
- ۲- علت ورود خرافات و کذابات اسرائیلیات به ادبیات فارسی و عرفانی چه بوده است؟

کلمات کلیدی: اسرائیلیات، یهود، خرافه، روایات مجعول

### ۱. مقدمه

واژه ی «اسرائیلیات» جمع اسرائیلیه و آن منسوب به «اسرائیل» است که نامی دیگر برای یعقوب پیامبر(ع) بوده است [۱] با کاوش در پیشینه ی کاربرد این واژه؛ قدیمی‌ترین نمونه های کاربرد آن، به طور احتمالی کاربردی با همین عنوان از «و هب بن منبه» - درگذشت ۱۱۴ق - است اما با اشاره به این که در برخی از منابع کتاب‌شناختی، از این اثر با عناوینی دیگر یاد شده است؛ صحت آن محل تردید است. [۹] از نمونه‌های صریح کاربرد تاریخی این اصطلاح، نخست باید به مسعودی اشاره کرد که در سده ۴ق، این واژه را به مفهوم اصطلاحی آن و در حدی و سبغ که روایات مسیحی را نیز در برگیرد، به کار برده است. او این دسته از روایات را اخباری به روایت اصحاب

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حدیث دانسته است که نمی‌توان آن قبول یا رد کرد. مسعودی در ادامه سخن از اسرائیلیات، به ذکر نمونه‌هایی از این دست اخبار پرداخته است. [۲۰] در اوایل سده ۷ ق یاقوت حموی این واژه را با بیانی آشکار به مفهوم «کتب قدیمه» و آثار امم سالفه به کار گرفته است [۵]. نیز برای کاربردی مشابه با گذشت حدود یک سده، کسانی چون ابن تیمیه، و با تعریفی روشن‌تر این کثیر با ارائه مفهومی از این اصطلاح، هماهنگ با مفهوم امروزی آن، به تبیین اقسام روایات اسرائیلیات پرداخته، و به نقد محتوایی آن‌ها کوشش نموده‌اند. [۶]

## ۲. زمینه‌ی تاریخی اسرائیلیات

با آغاز و ظهور اسلام و نزول تدریجی قرآن گروندگان به اسلام، در ابتدا با انبوهی از مفاهیم و قصه‌های قرآنی مواجه شدند که بخشی از آن‌ها از تعالیم مشترک ادیان آسمانی بود و پیش از آن به صورت‌های متعددی در کتاب‌های عهدین و دیگر منابع دینی مطرح شده بود و مسیحیان و یهودیان با آن‌ها آشنایی‌های قبلی داشتند. این مفاهیم و قصص که گاهی در منابع یهودیان به طور مفصل بدان‌ها پرداخته شده بود، در قرآن پردازشی گذرا و مختصر داشت. ایجاز و گزیده‌گویی‌های قرآن از یکسو و کنجکاو‌های مسلمانان اهل کاوش از طرفی دیگر باعث شد تا آنان در پی یافتن مسائل و نیز پی بردن به برخی از نکات و ظرایف از مفاهیم قرآنی مانند: آفرینش، رستخیز و مانند آن در صدد جستجو در منابع پیشین برآیند. «ابن خلدون» در مقام تحلیل این پدیده - اسرائیلیات - بر آن است که: عرب پیش از اسلام با برخورداری از دانشی محدود برای فراگیری و فهم برخی از پرسش‌های اساسی و دینی به همسایگان مسیحی و یهودی خود روی می‌آوردند و پاسخ دهندگان بر مبنای دریافت‌های شخصی و استنباط خویش از منابع و مفاهیم دینی پرسش‌ها را جواب می‌دادند. [۳] از این رو داستان پردازی‌ها، اسطوره‌سازی و وجوه دیگری از تعالیم غیر اسلامی و دروغین در سده‌های نخستین ورود اسلام صورت پذیرفته است. و از آن به غرض تکمیل و رفع برخی از ابهامات توسط یهودیان مغرض انجام شده است که به دروغ ابراز و اظهار مسلمانیت کرده‌اند.

## ۳. بستر فرهنگی موجود برای تهاجم روایات کذب و اسرائیلیات

بطور مسلم، ادیان الهی هر یک ضوابط و چهارچوب معلوم و مشخص شده‌ای دارند که از سر تا بُن و از فرستاده‌ی نخستین تا خاتم النبیین (ص) ثابت و تغییر ناپذیرند. اما کتاب‌های آسمانی ادیان پیش از اسلام و نزول قرآن مجید با تغییر و تحریف در محتوای شان آموزه‌های ناصوابی را به عنوان تعالیم آسمانی عرضه کردند و افرادی هم به عنوان مبلغان مذهبی در دین خود و هم در ادیان دیگر به اشاعه‌ی موارد ناموجه و غیر مستند دینی کوشیده‌اند. از آن میان کُتب مقدّس ادیان یهود و مسیحیت دستخوش تحریفات عمیق و آشکاری شده‌اند که با عقل و منطق اخلاقی ادیان دیگر سازگار نیست. این مسأله صدماتی را به فرهنگ و اعتقادات اسلامی وارد آورده است و افرادی غیر علمی و ناآگاه با طرح آن‌ها در سخنرانی‌ها و گاه مکتوبات خود آسیب‌های بسیار جدّی‌یی وارد آورده که غیر قابل اغماض است. از سوی دیگر جای خوش اقبالی است که وجود کتاب مقدّس و توحیدی در روزگار حاضر و نیز آثار بسیار ارز شمندی مانند «بحار الأنوار» و اهتمام جدّی علامه مجلسی در نظر به داستان‌های ساختگی و اساطیرمجموعول با عنوان «اسرائیلیات» نسبت به آن‌ها نظر انتقادی داشته و با استناد دقیق به قرآن، احادیث، روایات و کلام معصوم آن‌ها را مردود دانسته و به کذب بودنشان حکم داده است. البته نقش بسار مهم و تأثیرگذار

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

متکلمان و مفسران اسلامی و دینی در رو شنگری و تدقیق در تشخیص آن ها این بوده است که فرهنگ اسلامی، دینی و اعتقادی را از آلودگی خرافات و کذابات نجات دهند. در حوزه ی تهاجم اسرائیلیات دانشمندان پژوهنده ای مانند «مرتضی عسکری» در کتاب ارز شمند خود با عنوان «نقش ائمه در احیای دین»، همچنین آقای «محمد حسین ذهبی» از علمای اهل سنت در کتاب «الاسرائیلیات فی التف سیر و الحدیث» به طور شایسته‌ای به این موضوع پرداخته‌اند.

واژه ی «اسرائیلیات» چنان که پیش تر اشاره شد- نمایاننده ی نفوذ و فرهنگ یهودی است اما این خود مشمول معنای گسترده تری می شود. اسرائیلیات از باب تغلب بر هر دو فرهنگ یهودیت و مسیحیت اطلاق می گردد اما یهود از تأثیرگذاری و شهرت بیشتری برخوردار بوده است. چرا که آن ها از آغاز ظهور اسلام تا دوران گسترش آن بیشتر از دیگران با مسلمانان و حاکمان دینی مراد داشته در نتیجه؛ عملکرد فرهنگی این قوم بیشترین نفوذ را در احادیث و مستندات تفسیری برجای گذاشته است. [۸]

## ۴. گونه‌های اسرائیلیات

ابن تیمیمه از منتقدان سده ی ۸ قمری، در مباحث خود در حوزه ی اصول تفسیر با مطرح کردن این اصل که بیان اسرائیلیات به عنوان استشهاد - نه از روی اعتقاد - باید باشد. و این روایات را سه گونه دانسته است: نخست آن بخش از روایات منقول از منابع یهود است. که صحّت آن با منابع اسلامی از کتاب و سنت نبوی تأیید می‌گردد و پذیرش مضمون آن نیز به همین دلیل است. گونه‌ی دوم، آن هایی است که با منابع اسلامی مغایرت دارد و ناپذیرفتنی است. گونه‌ی سوم، آن هایی است که در منابع اصیل اسلامی از آن سخنی نیامده است و نمی توان به صحّت و سقم آن ها حکم داد. [۲]

## ۵. مبدأ و دلایل نفوذ اسرائیلیات

دلایل ورود اسرائیلیات به منابع و معارف دینی اسلام، به نفوذ تمدن و فرهنگ یهودی به فرهنگ اعراب بت پرست پیش از اسلام باز می‌گردد. پیش از ظهور اسلام قبایل فراوانی از اهل کتاب در مجاورت مشرکان در مدینه و پیرامون آن از جمله خیبر و فدک زندگی می‌کردند. اهل کتاب چون دارای دین و کتاب آسمانی بودند، موقعیت و فرهنگ غنی تری نسبت به مشرکان داشتند و در نزد آنان از جایگاه علمی ویژه‌ای برخوردار بودند. مشرکان برای فهم بسیاری از مسائل مربوط به خلقت و تاریخ ملت‌های گذشته و... به آنان رجوع می کردند. افزون بر آن در سال دو کوچ زمستانی و تابستانی به یمن و شام داشتند و در این گردش‌ها با گروه‌های فراوانی از اهل کتاب که در این دو سرزمین ساکن بودند، مرادداشتند و این تعاملات نیز به گونه ای پیش رفت که پس از ظهور اسلام و پذیرش آئین جدید ادامه یافت و آنان برای فهم برخی از ناشناخته‌ها اهل کتاب را بر دیگران ترجیح می دادند. بویژه که قرآن نیز در آیاتی مشرکان را به اهل کتاب ارجاع داده بود. [۱۶] رجوع به اهل کتاب همچنان ادامه داشت تا این که پیامبر (ص) بطور صریح مسلمانان را از مراجعه به آنان منع کرد. اما با وجود منع صریح آن حضرت، گروهی از مسلمانان برای دستیابی به مطالبی که به گمان آنان در معارف اسلامی وجود نداشت به اهل کتاب مراجعه می کردند. از عوامل بسیار مهم دیگری در نفوذ اسرائیلیات رحلت پیامبر (ص) است. زیرا حضرت مانعی برای مراجعه ی مسلمانان به اهل

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کتاب به شمار می‌رفت. وفات آن حضرت از سوی دیگری راه کسب دانش و معارف اسلامی بر کسانی که جانشین بحق پیامبر(ص)، علی(ع) و صحابیان دانشمندی مانند ابن عباس و ابن مسعود غافل بودند؛ مسدود ساخت. نومسلمانان اهل کتاب که در عهد صحابه، اسلام را پذیرفته بودند از عوامل دیگر ورود مجعولات یهودیت و روایات اسرائیلی به معارف و فرهنگ اسلامی بودند. زیرا آنان با تظاهر به اسلام و نیز سوء استفاده از اعتماد برخی صحابه، خرافات بسیاری را وارد حوزه ی اسلامی کردند.[۴]

## ۶. بررسی زمینه‌ی ورود اسرائیلیات به حوزه ی ادبیات فارسی

از مهم ترین خصیصه های ادبیات فارسی یکی آن است که بر فرهنگ، تمدن و تاریخ تکیه دارد. چه بسا خود بستری بسیار مطلوب و رسانشی بسیار اثرگذار در اشاعه‌ی اعتقادات مذهبی به شمار می‌رود. از اینرو بخش قابل ملاحظه و مفصلی از فضای ادبیات فارسی پرداختن به موضوعات دینی، قصص قرآنی و داستان های پیامبران بوده که از آن به «ادبیات مذهبی» تعبیر می‌شود و نگاه هنری به مسائل اعتقادی و مذهبی با عنوان «ادبیات عرفانی» جایگاه بسیار ویژه ای یافته است. ادبیات عرفانی تجلی‌گاه اندیشه ها، ارزش های دینی و معارف اسلامی و از این منظر موجب غنای سخن و نیز زینت بخش متون کلاسیک و کهن ادب پارسی بوده است زیرا تحول ژرف و عمیق در ادبیات فارسی با انعکاس فرهنگ دینی، اسلامی و عرفانی آغاز گردید و نقطه ی تحول آغازین ادبیات مربوط به پس از ترجمه ی تفسیر طبری که زمان دقیق سرآغاز ورود اسرائیلیات به آن بوده است. به طور قطع راهیابی خرافات و سخنان اساطیری بی پایه و ساختگی به کلام گویندگان منوط به اول، حضور یهودیانی که در طول تاریخ به طور طولانی مدت در ایران زندگی می کرده اند و دو دیگر، تفاسیر قرآن، فرهنگ دینی و اسلامی، تلمود و ترجمه های تورات بوده است.[۱۴]

از منظر زبانی، از میان ابزارهای متعدد تصاویر خیال و زیباشناسی سخن در متون ادب فارسی و عرفانی، صنعت ادبی «تلمیح» بیشترین و تأثیرگذارترین نقش را ایفا کرده است. شعرا، عرفا، گویندگان و نویسندگان بدین ترتیب در ادوار گوناگون در جهت یکتاپرستی و تبلیغ ارزش های اعتقادی و دینی از هیچ کوششی فروگذار نکرده و در جهت تعلیم و تفهیم آموزه های عرفانی حکمی و اخلاقی خواسته یا ناخواسته بدون توجه به استناد و اصالت روایات و خاستگاه آن ها، در آثار منثور و منظوم خویش بهره برده اند و منابع مورد مطالعه ی خود را مستند دانسته از اینرو در استخدام برخی از روایات مجعول درنگ ننموده و در جهت توجیه سخن خود از آن ها بهره برده اند. و این موضوع بستر مناسب را برای ورود مجعولات تاریخی و اعتقادی به حوزه ی ادب فارسی بخصوص عرفانی فراهم نموده است. به عنوان نمونه در آثار شیخ عطار نیشابوری نیز به مراتب این مجعولات و سخنان یاوه گونه ی موسوم به «اسرائیلیات» به وفور دیده می شود. بدون شک اشارات و تلمیحات دینی و تاریخی منتزع از تورات و انجیل از سوی قصه گوینان و راویان به آثار تفسیری و دیگر متون و آثار مسلمانان راه پیدا کرده و به دلیل دل بستگی شعرا، عرفا و نویسندگان کتاب های مقدس؛ اساطیر و کذابات وارد عرفان ایرانی شده است و به لحاظ جذابیت و دل نشینی؛ حتی سبب اقبال عمومی به این آثار شده است. از آنجا که شیوه ی بیان و خلق آثار شیخ عطار به صورت داستان ها و قصه های عرفانی رقم خورده بود؛ شرایط برای نفوذ سخنان مجعول و اساطیری دروغین آماده شده بود. با نظر به این که اهم کارکردهای قصه ها و روایات، در کلام عرفانی؛ ساده فهم کردن محتوا، پیام ها و اشارات عمیق عرفانی و نیز برجسته سازی مقولات و مسائل اعتقادی و اخلاقی و گاهی بیان مستقیم و غیرمستقیم ظرایف، طنزها و رمزها در بیان مسائل اجتماعی و نیز اصلاح ساختار و وضعیت اخلاقی جامعه ی آن روزگار برای مردمانی بوده است که از آثار ادبی، بخصوص ادبیات منظوم استقبال می کرده اند. چنان که پیداست بازتاب سخنان موهوم و مجعول نسبت به زندگی عرفای معاصر یا پیش از خود عطار در تذکره الاولیاء که به شرح حال عارفانی مانند حبیب عجمی و حسن بصری و

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پیرهرات و... پرداخته است؛ مفصل آمده است. البته ورود این مطالب کذب و افسانه ای در دیگر آثار شیخ عطار مانند مختارنامه، اسرارنامه و الهی‌نامه در شرح حال «عقلاءالمجانین» چه به صورت صریح و یا تلویح و تلمیح به وفور وارد شده است. در اثر سترگ و ارز شمند شیخ نیشابور یعنی «منطق الطیر» مهم ترین منظومه ی عطار و از لحاظ ساختار روایی و محتوایی در زمره ی آثار عرفانی کم نظیر قرار دارد. با توجه به این که شکل سخن پردازی آن سرا سر حکایت و تمثیل و داستان های سمبلیک و رمزی در جهت تبیین اندیشه های عرفانی و اخلاقی و اجتماعی است، بیشترین مجعولات و اسرائیلیات را در خود دارد. هر چند مجعولات راه یافته در این دفتر عرفانی به نسبت مجعولات راه یافته به دفتر مثنوی معنوی و اشعار خاقانی و دیگر کتاب های عرفانی-ادبی کمتر می نماید و این سخنان بی مایه و افسانه مانند و کذب، میراثی است که در نتیجه ی تفاسیر و حکایات و مسائل فرهنگی عصر اوست، دست به دست گردیده و سپس به وی رسیده است. از سوی دیگر در روزگار شیخ یا دیگر عرفا و شعرای نامدار سخنانی که اغلب آن ها محصول روزگار انحطاط عرفان و حاصل یاره گویی های دراویش نمای بی کاری بوده است که طبع نظمی داشته و به دلیل داشتن قریحه ی شعرسازی و تظاهر به هم مشربی با اندیشه های عرفا، در حالی که افکار آنان پر از خلل و رکاکت لفظ و معنی بوده است یا اینکه هر چیزی را که از هر جا و هر کس شنیده و هر اسطوره و سخن بیمار و بی مایه ای که به سمعشان رسیده و به عارفان نسبت می داده اند و یا به طور مستقل دفتر و دیوانی دست و پا کرده و به نام عارفان ادیب و یا ادبای عارف تبلیغ می کرده که امروز از نتایج آن، آشفته بازاری و انحطاط و ابتذال اندیشه و سخن حاکم است. [۱۲]

درباره ی عطارهای متعددی که سراینده ی آثاری در قالب غزل های عرفانی بوده اند و مجموعه کارهای این گروه همانم با شیخ نیشابور نیز وارد میراث ادبی و عرفانی منطق الطیر گردید و حجم انبوهی از اشعار سست و بی مایه در صورت و معنا، متناقض، مجعول و بی اصالت که حاوی هر تفکر نا صواب و خرافی بوده است در این آشفته گی و آمیختگی به نام عطار شهرت یافته و اسناد شده است. از جمله کتاب های «بی سرنامه، بلبل نامه، جواهر الذات، مظهر العجایب» و... از این دست اند. شرایط به وجود آمده و نامطلوب حاکم بر متون کهن ادب فارسی، مستلزم و مستوجب انجام پژوهشی جامع، قابل و درخور است تا سره از نا سره باز شناخته آید. نمونه ی سخنان ساختگی و دروغین اسرائیلیات گونه، در ادب فارسی کم نیست از جمله، داستان گفتگوی موسی با خداوند و تندی وی نشان دهنده ی این آشفته گی است. عطار در غزلی که اسطوره ی موسی در مرکز آن قرار دارد از زبان وی گفتگویی به نظم کشیده که معلوم نیست منشاء دقیق این گفتمان گستاخ آمیز کجا بوده است. از فحوای و لحن گفتار کلام چنین برمی آید که اصالتی ندارد و شاید عطار آن را در تفاسیری که مبنی بر خرافات اسرائیلیات دیده است و یا از کسی شنیده است. محتوای غزل موصوف مصداق بارز گستاخی و عدم رعایت ادب شرعی در محضر حق تعالی و خطاب به اوست:

به هر کویی مرا تا کی دوانی؟	ز هر زهری مرا تا کی چشانی؟
گهی تابوتم اندازی به دریا	گهی بر تخت فرعونم نشا
بر آری بر فراز طور سینا	شراب الفت وصلم چشانی
چو بنده مست شد، دیدار خود را	خطاب آید که موسی لن ترانی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به لحاظ جذابیت محتوای اسرائیلیات، شخصیت‌ها و گویندگان بزرگ و عارف دیگری نظیر حکیم سنائی، پیش از شیخ نیشابور و پس از وی نیز مولانا جلال الدین رومی اغلب روایات خرافی و مجعول را در جهت تبیین اندیشه های عرفانی و تأثیرگذاری عمیق بر مخاطب - بدون توجه به خاستگاه آن - اقتباس نموده و به کلام خویش درآورده اند. داستان «عزیر» را ملای روم در مثنوی خود بر وجه تنبیه بشر نسبت به معاد و حشر و قیامت مطرح می نماید و آن را با طرز تقریری که نوعی حالت تمثیلی و نمایشی هم به صورت و قالب آن می دهد و قصه را به نحوی بارز و برجسته برای مخاطب خویش تصور پذیر و تا حدودی نزدیک به امر محسوس می سازد. قصه ی مزبور در قرآن - سوره ی بقره، آیه ی ۲۵۹ - آمده است. مردم یهود «عزیر» را ابن الله می خواندند. البته بر کتاب «عزرا»ی مندرج در تورات که عزیر را با وی منطبق دانسته اعتمادی نیست. چرا که وقوع تحریف و دستکاری در آن و در تمام اجزای تورات کاملاً محقق است. البته در قرآن این داستان به عزیر منسوب نیست و از وی نام برده نشده است. انتساب این داستان به این شخصیت در مثنوی چنان که می نماید مولانا آن را از تفاسیر و قصه های راویان اقتباس کرده است و مستندی برای اصالت آن وجود ندارد. چنان که حقیقت است هدف از معراج نبی اکرم (ص) تنها دیدار خداوند نبوده است، بلکه غرض مشاهده ی اسرار و عظمت پروردگار بوده است تا درک و نگاه تازه ای برای هدایت و رهبری بشر بیابد. اما با تأسف فراوان هنوز هم همان عقبه های خرافات از جنس اسرائیلیات را با خود دارد، چون آب از سرچشمه گل آلود است و اصل کتاب تورات آلوده به خرافات و مجعولات شده و تحریف پذیرفته است. از خرافات و یاوه گویی هایی که پیرامون معراج معروف حضرت ختمی مرتبت (ص) چنین بیان کرده اند؛ از جمله «کنسانتین و برژیل گئورگیو» نویسنده ی رومانیایی تبار است که در کتاب خود با عنوان «محمد پیامبری که از باید شناخت» چنین نوشته است؛ «محمد» در سفر معراج به جایی رسید که صدای قلم خدا را می شنید و می فهمید که خداوند مشغول نگهداری حساب اعمال افراد است. اما با این که صدای قلم خدا را می شنید او را نمی دید. [۱۸] این سخن از جنس همان اسرائیلیاتی است که نتیجه ی تحریف کتاب تورات است. از نمونه های دیگر افسانه پردازی ها متوجه داوود پیامبر (ع) از پیامبران بنی اسرائیل است که از این مجعولات و خرافه پردازی هایی که برای وی ساخته و بدان پرداخته اند برحذر نمانده است. گویند: داوود زن شخصی به نام «اوریا» یا «ارویا» را - به دلیل زیبایی بسیار - به خدعه و نیرنگ بفریفت و با وی به زنا مشغول شد. چون عاشق آن زن شده بود شوی را به جنگ فرستاد تا کشته شود. وی کشته شد و داوود آن زن را به همسری خود درآورد. [۱۹] این داستان در تورات به تفصیل آمده است و در تفاسیر اسلامی نیز بازتاب مفصّلی داشته است. گویند آن زن - همسر اوریا - مادر سلیمان نبی است. گویند داوود پس از آن عمل و مرگ «اوریا» از عمل خود نادم شد و مدام بر سر گور او می رفت و می گریست. «داوود را صلح یک نظر به جایی افتاد که می نایست، یعنی بر زن اوریا تا دید آنچه دید». [۲۱] قطران تبریزی شاعران قرن چهارم نیز چنین تلمیح نموده است:

پرده بدرید از زلیخا درد و داغ عاشقی عاشقی داوود را رنجور کرد و سوگوار

و مولانا در مثنوی شریف (۲۹۴۵) چنین گفته است:

داوود را فریبی در دام ملک و دولت و ایوب را دگرگون اندر بلا فریبی

ابن خَلَف نیشابوری نیز چنین نوشته است: «تا آنگاه اوریا افتاد تا بسیاری بگریست». در تورات در حدیث زنا چنان تحریف عمیق و فراگیر صورت گرفته است که بعضی از انبیاء الهی را سیاه نامه و تهکار معرفی کرده اند. درباره ی انبیاء (ع) الهی چنین ساخته اند و یاوه سرایی کرده اند که: خداوند رسولان خویش را در میان مردم چنان مجازات کرد که کرامت آن ها مخدوش و تا اندازه ای که مردمان از وی

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

گریزان بودند. به م صدق این سخن گزافه در تورات درباره «ایوب نبی» (ع) چنین آمده است: «ایوب را در وقت ابتلاء الهی چنان بود که کرم بدنش را برداشت و آنقدر متعفن و مورد انزجار بود که اهل قریه او را بیرون کردند». [۱۳]. حقیقت چنان که پیدا است، رسالت پیامبران الهی ایجاب می کند که مردم در هر زمانی بتوانند با رغبت تمام با آن ها در ارتباط باشند. چنانچه شرایطی که سبب تنفر و بیزارى مردم و فاصله گرفتن خلق از آن ها به خاطر وضعیت جسمانی و یا روحی و روانیشان باشد در شأن فرستادگان الهی نیست و با فلسفه ی رسالت منافات تام دارد. درباره ی ائمه (ع) از این دست سخنان کذب و مجعول اسرائیلیات گونه نیز توسط افرادی که بیماری روانی سوژه سازی و طبع خرافه پردازى دارند، ساخته شده است. از جمله داستانی درباره ی حضرت امیر المؤمنین و قاتل آن حضرت روایت کرده اند که: حضرت علی ع گفته بود؛ ابتدا ظرف شیر را نزد «ابن ملجم مرادی» ببرد زیرا من پیش از او به جنۀ المأوی قدم نخواهم گذاشت. این تلمیح کذب را نیز شیخ عطّار در منطق الطّیر چنین سروده است:

من همی ننهادمی بی او به هم پیش او در جنۀ المأوی قدم

در جای دیگری خرافه ی دیگری ساخته اند که ابن ملجم «خانه زاد» آن حضرت بوده است. البته منبع سخن «خانه زاد» بودن وی در منزل حضرت امیر (ع) یک خبر طولانی و داستانی از آثار «ابوالحسن بکری» قصه گوی معروف تاریخ اسلام است که حتی زمان وی به درستی شناخته شده نیست و چندین کتاب از وی در اختیار قصه گوین و داستان سرایان بوده است و آن نیز پر از عجایب است. مرحوم علامه مجلسی به سخنان منتسب به ابوالحسن بکری اعتقاد و اعتمادی ندارد و به کلی آن را مردود می شمارد. در کجای منطق انسانی، شرعی و دینی می گنجد که معصوم (ع) مقام قاتل خویش را فراتر از خود ابراز کند و نیز او را در ورود به بهشت بر خود مقدم بدارد؟! قدری این سخن به توهّم می ماند!

چنان که شیخ عطّار ابراز می دارد:

مرتضی را چون بکشت آن مرد زشت مرتضی بی او نمی شد در به

حکایت دیگری را شیخ نیشابور با بیت زیر به نظم کشیده است [۱۰] با بیت زیر:

حق تعالی گفت قارون زار زار خواند موسی تو را هفتاد بار

حق تعالی خطاب به موسی فرمود: ای موسی! قارون تو را به زاری می خواند تو هیچ پاسخی به وی ندادی اگر مرا می خواندی خلعت دین را سرش می افکندم. اما اگر تو او را آفریده بودی به صد درد هلاک و خاکسارش می کردی و لحظه ای در عذابش آسایش نداشتی. این داستان در تاریخ طبری نیز آمده است [۱۵] حال این پرسش مطرح می شود که: در کجای دین الهی، پروردگار نسبت به پیامبر خویش چنین سخنانی ابراز داشته است و نیز خود را در مقام قیاس با فرستاده ی خویش قرار می دهد؟

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## نتیجه گیری

کتاب های آسمانی ادیان پیش از اسلام و نزول قرآن مجید با تغییر و تحریف ایجاد شده در محتوایشان، آموزه های مجعول، کذب و ناصوابی را - که موسوم با اسرائیلیات است - به عنوان تعالیم آسمانی عرضه کردند و افرادی هم به عنوان مبلغان مذهبی در دین خود و هم در ادیان دیگر به پراکندن و اشاعه ی این سخنان افسانه گونه ی دروغین، خرافی و غیر مستند دینی موسوم به «اسرائیلیات» کوشیده اند که با عقل و منطق اخلاقی سایر ادیان الهی هرگز سازگار نیست. از آن جا که افرادی غیر علمی و ناآگاه بدون اطلاع از صحت و سقم این مجعولات با مطرح نمودن و استناد به آن ها در حوزه ی اعتقادات اسلامی، مذهبی و اخلاقی این مسأله به طور عمیق و ناخواسته صدماتی را به پیکره ی فرهنگ اسلامی وارد آورده است. از عوامل موثر دیگری که در ورود اسرائیلیات به اعتقادات اسلامی می توان نام برد می توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- نفوذ تمدن و فرهنگ یهودی به فرهنگ اعراب بت پرست پیش از اسلام. به دلیل اینکه عرب پیش از اسلام از دانش بسیار اندکی برخوردار بود، برای فراگیری و فهم پرشش های اساسی دینی به همسایگان یهودی و مسیحی رجوع می کردند و پاسخ دهندگان، مطالب سخیف، کذب و مجعولی که حاصل استنباط فردی خود بود به آن ها تحویل می دادند.

۲- در آغاز ظهور اسلام یهودیان تازه اسلام آورده ای که داستان پردازی ها، روایات ساختگی و مجعولی را در پاسخ به سوالات مسلمانانی که حضرت رسول اکرم(ص) آنان را از رجوع به اهل کتاب منع کرده بود؛ به آنان ارائه کرده بودند.

۳- مشترک بودن برخی از تعالیم ادیان آسمانی و موجز بودن مطالب و مفاهیم قرآن کریم و مفصل بودن آن در ادیان یهود و مسیحیت.

از مهم ترین دلایل ورود و نفوذ داستان های مجعول و مباحث اسرائیلیات در ادب عرفانی فارسی باید گفت؛ شعرا، عرفا، گویندگان و نویسندگان بدین ترتیب در ادوار گوناگون در جهت یکتاپرستی و تبلیغ ارزش های اعتقادی و دینی در آثار منظوم و منثور خویش از هیچ کوششی فروگذار نکرده و در جهت تعلیم و تفهیم آموزه های عرفانی حکمی و اخلاقی خواسته یا ناخواسته بدون توجه به استناد و اصالت روایات و خاستگاه آن ها، در آثار منثور و منظوم خویش بهره برده اند و منابع مورد مطالعه ی خود را مستند دانسته از اینرو در استخدام برخی از روایات مجعول درنگ ننموده و در جهت توجیه سخن خود از آن ها بهره برده اند. و این موضوع بستر مناسب را برای ورود مجعولات تاریخی و اعتقادی به حوزه ی ادب فارسی بخصوص عرفانی فراهم نموده است

# چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

## مراجع

- ۱- ابن تیمیه، احمد، مقدمه فی اصول التفسیر، به کوشش عدنان زرزور، کویت / بیروت، ۱۳۹۲ق / ۱۹۷۲م
- ۲- همان
- ۳- ابن خلدون، مقدمه، زکار، سهیل، بیروت، ۱۴۰۱ق / ۱۹۸۱م
- ۴- معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، دفتر نشر دانشگاه علوم رضوی، مشهد، ۱۴۱۸ق
- ۵- امامی، نصرالله، اساطیر و اساطیر ایرانی، دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۵۳، شماره ۱۱۲
- ۶- الحموی، یاقوت، معجم البلدان، ناشر دارالمغرب الإسلامی، بیروت، لبنان، ۱۹۹۳م
- ۷- الدمشقی، عمادالدین ابی الفداء اسماعیلی عمر ابن الکثیر، جلد اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۱۹۹۸م
- ۸- الدوری، عبدالعزیز، نشأة علم التاريخ عندالعرب، بیروت، ۲۰۰۵
- ۹- الهجویری، محمد، تاریخ؟، تفسیر قصص الأنبياء النیشابوری، نشر کتاب ایران، تهران ۱۳۸۳
- ۱۰- ذهبی، محمدحسین، الأسرئیلیات فی التفسیر و الحدیث، دمشق، دارالإیمان، ۱۹۸۵
- ۱۱- سمرقندی، حکیم، مصحح حبیبی، عبدالحی انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸
- ۱۲- شفیعی کدکنی، محمد رضا، منطق الطیر، تصحیح، چاپ پنجم، تهران، نشر سخن ۱۳۸۵
- ۱۳- همان
- ۱۴- طبری، محمد بن جریر، ترجمه ی تفسیر طبری، مصحح حبیب یغمایی، تهران، نشر دانشگاه تهران ۱۳۳۹
- ۱۵- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، تاریخ طبری، نشر اساطیر، تهران، ۱۳۶۲ش
- ۱۶- قاسم میرخلف زاده قاسم، احمد، قصص القرآن، نشر روحانی، تهران ۱۳۸۰
- ۱۷- قرآن کریم، سوره های ۱۰۱/۱۷ - ۴۳، ۴۴/۱۶
- ۱۸- گئورگیو، کنستانتین ویرژیل، محمد پیغمبری که باید از نو شناخت، ذبیح الله منصور، ترجمه، چاپ دوازدهم، نشرامیرکبیر؛ تهران ۱۳۴۳
- ۱۹- متینی، دکتر جلال، تصحیح تفسیر قرآن کمبریج، جلد اول، بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹ش

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در  
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and  
Research in Persian culture, language and literature

۲۰- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، مترجم قاسم پاینده، جلد اول، نشر دارالهجره، ۱۴۰۹ق

۲۱- هجویری، علی بن عثمان، کشف المحجوب، نشر سروش، تهران ۱۳۸۳